ابعاد و مؤلفه‌های نگرش استمرار و گسست تاریخی در پهنه‌های زیست اجتماعی ایران

غلامرضا جاپلقی *، اصغر محمدمرادی **، غلامحسین معماریان ***

تاریخ دریافت مقاله:	1397/01/31
تاریخ پذیرش مقاله:	1397/09/19

چکیده

بافت تاریخی در مقایسه با بافت‌های شهری که از اوایل قرن حاضر شکل می‌گیرند مساحت کمتری را اشغال کرده و براساس ارتباطات پیاده شکل گرفته بود. بافت تاریخی از رشد تدریجی برخوردار بوده و به‌طور نسبی احداث زیرساخت‌ها و خدمات، با نیازهای ساکنین آن هماهنگ بوده و بر همین اساس بین کاربری‌های مسکونی و دیگر کاربری‌ها تعادل برقرار شده، نیازهای جدید بر سازمان فضایی بافت تحمیل نمی‌شده و تفکر خانه و تعمیر به جای تفکر مسکن و تعویض مطرح بوده است اما از حدود 1340 به بعد به دلایل بسیار مانند ورود بیش از پیش فرهنگ بیگانه، استفاده سکونتیِ صرف از محل اقامت و وابستگی بیش از حد به امکانات شهر جدید، بافت تاریخی در زمره نامتعادل ترین بافت‌های شهری قرار گرفت. این روند همچنان ادامه دارد و بیشتر بافت‌های تاریخی ایران و ساکنان آن‌ها هر روز با مشکلات جدید و عوامل ناپایدار مواجه هستند. از دید صاحب‌نظران روند قبلی یک روند مستمر و تحولات دهه‌های اخیر به مثابه انقطاع تاریخی بوده است. بر این اساس سوالات اصلی مقاله حاضر به این شرح است: ابعاد و مؤلفه‌های استمرار و در طرف مقابل انقطاع تاریخی در یک پهنه زیست اجتماعی مانند بافت‌های تاریخی کدامند؟ از نظر خبرگان کدامیک از عوامل و بسترهای مسببِ دو نگرش فوق، از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

این نوشتار در پی گردآوری و اهمیت‌سنجی ابعاد و مؤلفه‌های استمرار و گسست در بافت‌های تاریخی است. برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های مطروحه روش تحقیق ترکیبی مورد نظر است. به این صورت که در پس مرور منابع موجود و دستیابی به عوامل دو نگرش استمرار و گسست، ابتدا آن‌ها را به روش تعداد ارجاعات و سپس پرسشنامه خبرگان مورد سنجش و وزن‌دهی قرار می‌دهد. اگرچه اعتبار وزن‌دهی خبرگان بیش از تعداد ارجاعات است (به‌دلیل اهمیت بومی‌سازی مؤلفه‌ها و گسترگی منابع)، اما همسویی این دو روش می‌تواند ملاک مورد اعتمادی برای اهمیت‌بخشی به ابعاد و مؤلفه‌ها باشد.

کلمات کلیدی: عوامل استمرار تاریخی، عوامل گسست تاریخی، پهنه زیست اجتماعی، بافت تاریخی، اهمیت‌سنجی.

* دانشجوی دکترای معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

** استاد و مدیر گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران. m_moradi@iust.ac.ir

*** استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

مقاله حاضر برگرفته از مبانی نظری رساله دکترای غلامرضا جاپلقی با عنوان "تاثیر نگرش گسست به جای نگرش استمرار در تغییرات شش دهه اخیر معماری ایران" به راهنمایی آقایان دکتر اصغر محمدمرادی و دکتر غلامحسین معماریان در دانشگاه علم و صنعت ایران می‌باشد.

مقدمه

محصول معماری متأثر از عوامل بیرونی و درونی است که از عوامل درونی می‌توان به جهان‌بینی، فطرت، ذات و انسان و از عوامل بیرونی به اقلیم و مصالح اشاره کرد. در چند دهه اخیر در بافت‌های تاریخی ایران تمام تجربیات و فرهنگ‌های گذشته به فراموشی سپرده شده و فراورده‌های غربی وارد فرهنگ ایرانیان شده است. انسان در یک خط سیر تاریخی است و بدون گذشته آینده‌ای ندارد. تمام این جملات حکایت از یک کلمه دارد و آن هم تداوم است، تداومی که در دهه‌های اخیر به نوعی هیجان‌زدگی در جامعه و معماری ایران مبدل شد. در ابتدا معماران بسیاری در پی زنده نگه‌داشتن ارزش‌های تاریخی بودند و در آثارشان در کنار روح و الگوهای تاریخی مواد و مصالح و ابزارهای نوین را به کار گرفتند. اغلب این معماران بناهای عمومی و شاخص را طراحی و اجرا می‌کردند که البته تأثیر مناسبی بر ابنیه عمومی و افکار عامه مردم داشت. پس از گذشت دو یا سه دهه معماران صرفاً به فرم‌های تاریخی بها دادند و الگوهای بی‌زمان و روح معماری گذشته به‌دست فراموشی سپرده شد. این نوع تفکر در معماری همه شهرهای ایران (با صور و سرعت‌های مختلف) تسری یافت.

از سوی دیگر با این میزان از پیشرفت فنی، طراحی معماری رو به عقب رفته است. تحول کیفیت زندگی، بافت‌های تاریخی را تهدید می‌کند. قطعاً برای نگه داشتن حیات در بافت قدیم نیاز به بررسی آن عنصر کیفی از زندگی احساس می‌شود که متحول شده و آن خصوصیاتی از زندگی را که ارزشمند است و باید با همان ترتیب در بافت قدیم کماکان تداوم پیدا کند و قسمت‌هایی که نباید و باید برداشته شود. در مجموع این معماری قدرت ضبط ارزش‌ها را داشته و آن چه که ضبط کرده ارزشمند است. زیرا اعتقاد بر آن است که در گذشته کسانی در این سرزمین زندگی می‌کرده‌اند که قدرت دریافتشان از جان بسیار زیاد بوده و دچار انقطاع فرهنگی یا شک فرهنگی نشده بودند. هر چند آنچه به‌عنوان تکنولوژی در معماری گذشته ما بوده بسیار ارزشمند است ولی آن‌چه که در معماری گذشته نهفته، "جانِ جسم یافته" است (حجت، 1368: 59).

مختصری در باب نگرش استمرار[1]

معماری به‌عنوان کالبد اندیشه، همواره ابزاری برای بروز تفکر، نگرش و اندیشه های هر قوم و ملیتی بوده است. رد پای اصول و جهان‌بینی حاکم بر فرهنگ این سرزمین به بهترین وجه در معماری سنتی ایران زمین به چشم می‌خورد (Safian & Mahmoudi, 2007: 30). نقی‌زاده استمرار معماری سنتی ایران را اینگونه تعریف کرده است: آن معماری که متکی بر اصول و ارزش‌هایی بوده که ریشه در اعتقادات معنوی ایرانیان داشته و بدون انقطاع تاریخی در اثر ممارست، حقیقت‌جویی و نوگرایی ایرانیان در تماس با سایر تمدن‌ها بر پایه جهان‌بینی اسلامی- ایرانی، در بستر فرهنگ و با پویایی، تصفیه و تکامل دائمی هدایت کننده و راهنمایی پدیدآورندگان آثار برجسته معماری و شهری بوده است (نقی‌زاده، 1379: 80) این معماری دارای صفاتی بی‌زمان و مکان بوده و تنها چگونگی تجلی آن‌ها با توجه به امکانات در دسترس و شرایط محیطی و فرهنگی، متفاوت بوده است (نقی‌زاده، 1377).

تعریف استمرار از دید علی اکبر صارمی: "معماری گذشته طی قرن‌های طولانی و تا 40 یا50 سال قبل همواره و در حال تغییر و تحول، زایش و پویش و دوباره‌سازی بود. با ورود معماری پیش از مدرن غرب به ایران، باز هم آنچه که ساخته شد در دوران قبل و بعد از مشروطیت غالباً به‌نوعی همخوانی و همسویی با

معماری گذشته داشت و تضاد چشمگیری با معماری اطراف خود به‌وجود نیاورد و ارتباطی طبیعی بین این دو معماری بوجود آمده است" (صارمی، 1368: 89).

اشتراک مفهوم استمرار با حرکت جوهری ملاصدرا

در نزد صدرالحکما اصالت هر شیء تنها به‌واسطه پویایی و حرکت آن شیء در مراتب هستی تحقّق می‌یابد (خاتمی، 1386). تلقی از میراث فرهنگی به حضوری پویا و زاینده مانع از تقلیل آن به مرتبه‌های منزله پایین‌تر از واقعیت وجودی آن خواهد شد: مشکلی که غالباً گریبان‌گیر روش‌های حفاظت مبتنی بر تثبیت اثر در وضع موجود می شود. این حرکت، جهت‌یافته و دارای غایت، واقعیتی است که می‌توان آن‌را سبک یا شیوه حیات نیز نامید. شیوه حیات همچون نخ تسبیحی امکان تبیین وجوه مختلف حیات یک فرد و رفتارهای وی را در لحظات گوناگون فراهم می‌آورد. به این ترتیب حرکت تاریخی یک شیء به مثابه تغییرات و تحولات مادی و عقلانی به وقوع پیوسته در آن، چه آن‌ها که ناشی از مداخله انسانی بوده و چه آن‌ها که ناشی از تغییرات طبیعی ماده است، ذیل این حرکت جوهری قرار گرفته و در این قالب دارای ارزش و اصالت خواهد بود. بدیهی است که موجودیت هر ثروت فرهنگی در روند حیات خود متأثر از شیوه حیات اجتماعی بومی خواهد بود که در بستر آن قرار گرفته است و در شرایط مختلف فرهنگی شدت و ضعف می‌یابد (پدرام و همکاران، 1390: 9). با این تفاسیر مفهوم حرکت جوهری ملاصدرا در این باب، همان حرکت و تغییرات مستمر در گذر زمان است. حرکتی که در طول اتفاق می‌افتد و لازمه آن ارتقاء و تکامل است. در نگرش استمرار نیز تأکید بر ارتقای کیفیت‌هاست که در غیر این صورت تاریخ، دور باطلی از اتفاقات تکراری خواهد بود، معماری دوره‌های مختلف به تقلید کورکورانه از ادوار قبلی بود و خلاقیت و ارتقایی صورت نمی‌گرفت.

مختصری در باب نگرش گسست[2]

رجبی معتقد است مطالعه در سیر تاریخی معماری ایران، دشواری در هم آمیختن مداوم طبقات اجتماعی و مرزهای سبک‌های گوناگون را در بر دارد (رجبی، 1355: 121). گسستگی در معماری از زمانی آغاز گردید که بخش دیگر ذهن، یعنی ضمیر خودآگاه در طراحی دخالت داده شد که تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می‌گیرد. پس راه حل بحران فعلی خواندن معماری گذشته و درک و فهم آن برای طراحی در آینده است.

از نظر موراتوری‌ها بحرانِ هویتِ معاصر در فردگرایی و مصرف‌گرایی دو قرن اخیر در اروپا است، مانند بحران در زمان ورود زبان لاتین و معماری‌های غیر بومی به ایتالیا و دانشجویان معماری آموزش فردگرایی دیده‌اند چون اساتیدی که دید مدرن دارند آن‌ها را آموزش داده‌اند و اصلاح هم باید از مدارس معماری آغاز شود. گونه‌شناسی یکی از مهمترین مبانی فکری موراتوری‌ها است، چرا که ارزش‌های گونه‌شناسانه ارزش‌هایی وابسته به فرهنگ جمعی هستند و نه فردگرایی و سلیقه شخصی و در گذشته. میراث فرهنگ معماری در زمان و مکان هر معمار، نسل به نسل و از استاد به شاگرد و در ضمیر ناخودآگاه هر فرد نقش می‌بسته است و پیوستگی معماری را در هر طرح جدید در بستری از تجربیات گذشته تضمین می‌کرده است(نمودار شماره 1). این نقطه تقابل معماری معاصر از نظر موراتوری‌ها، بی‌هویت و معماری ارزشمند گذشته است (پورمحمدی و همکاران، 1390: 8).

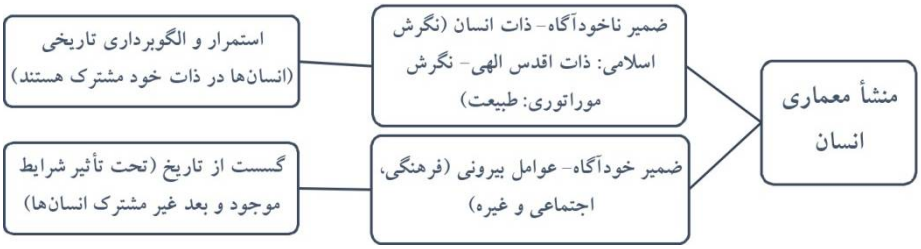

ن 1. ارتباط استمرار و گسست با دو ضمیرخودآگاه و ناخودآگاه انسان.

شاخص‌ها و مؤلفه‌های تداوم‌بخش در بافت‌های تاریخی

بسیاری اوقات وضعیت خاص موجود، شرایط و کلیات استمرار را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. خواست ساکنین با توجه به شرایط زندگی‌شان، عرصه‌ها و شرایط پیرامونی، نگاه‌های تخصصی، طرح‌های حکومتی و ویژگی‌های منحصر به‌فرد اجزای بافت از این قبیل عوامل هستند.

آصفی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان ریشه‌یابی عوامل دگرگون‌ساز معماری گذشته ایران در گذر زمان، اتفاقات چند دهه اخیر را دوران تحول خوانده و عوامل اصلی را در دو دسته "سیاسی- اقتصادی" و "اجتماعی- فرهنگی" عنوان کرده است (آصفی و ایمانی، 1392: 63). عامل مذهب نیز در بیشتر دوران‌ها و در بیشتر سرزمین‌ها از عوامل مهم و اساسی و تعیین‌کننده قطعی در زمینه استمرار معماری است (ورجاوند، 1355: 4) زندگی اقتصادی، نحوه معیشت مردم و اوضاع اقتصادی هر منطقه به‌وضوح در فرم بخشیدن به مجموعه واحدهای تشکیل‌دهنده یک شهر و شکل معماری آن دارای نقشی مؤثر است. به‌عنوان مثال موضوع دهکده‌سازی پس از زلزله بویین زهرا آورده می‌شود. در این منطقه تعدادی روستا با واحدهای مختلف مسکونی و دیگر واحدهای مورد نیاز بنا شد. اما در مدت بسیار کوتاه تعداد بسیاری از این واحدها توسط روستاییان رها شده و آن‌ها در فاصله‌ای نزدیک، به برپا ساختن خانه‌های خشت و گلی با طرحی متناسب با ویژگی‌های زندگی، معیشت و کار تولیدی‌شان اقدام کردند. معدودی نیز که در خانه‌های ساخته شده باقی ماندند، دست به تغییرات کلی زدند تا آن‌ها را برای زندگی خویش مناسب سازند. دلیل آن عدم انطباق این خانه‌ها با نوع معیشت و نیاز آن‌ها است.

عوامل فرهنگی و اجتماعی

با تمرکز بر شخصیت جمعی (جامعه) و خُلق فردی ایرانیان، شناخت روشن‌تری از جامعه و فرهنگ ایرانی، به دست می‌آید. فرهنگ ایرانی با حلقه‌های ایرانی پیوند دهنده کم‌وبیش مشترک و احساس تعلق به یک میراث فرهنگی مشترک، خرده‌فرهنگ‌های ایرانی را در مجموعه مشترک و همیشه فراگیر ایرانی به‌هم پیوند داده است. این فرهنگ کلی، در همه این خرده‌فرهنگ‌ها و موقعیت‌های اقلیمی متفاوت، پیوسته شناور و در جریان بوده و حلقه‌های اتصال و همبستگی آن‌ها را فراهم ساخته است (صنیع اجلال، 1384: 69). فرد با حضور و رشد یافتن در جمع علاوه بر آنکه دارای هویت شخصی یعنی نام، منزلت اجتماعی و روابط مشخص با دیگران می‌گردد، بلکه با گرفتن عناصر مشترکی که فرهنگ خوانده می‌شوند هویت جمعی می‌یابد و با مجموعه این مسائل دارای تاریخ مشترک می‌شود (پاکزاد، 1375: 102).

می‌توان بیان کرد کـه روابـط موجـود در بافـت قـدیم موجب تداوم فرهنگی می‌شـود. یکـی از دلایـل اصـلی حفاظـت و نگهـداری همـین اسـت. امکـان بازیـابی ارزش‌های پنهـان را فـراهم و در مقابـل دگرگـونی‌هـای یکباره، تعادل[3] ایجاد می‌کند. نگهداری بافت قـدیم ایـن امکان و اجازه را می‌دهد که در مقابل شک‌های فرهنگی و در مقابل تحولات متعادل‌تر ایستادگی شود. با تکیه بر سنت‌ها، سنگینی و وجاهت حفـظ مـی‌شـود، در نتیجـه تحولات هم آرام‌تر اتفاق می‌افتند. (حجت، 1368: 64).

عوامل کالبدی استمرار و تداوم فرهنگ ساخت

ضمن در نظر داشتن جنبه‌های مثبـت رویکـرد حفـظ بهره‌گیری فرمی از تاریخ، بایستی توجه داشت که تنها و تنهـا اسـتفاده صـرف از فـرم‌هـای تـاریخی نمـی‌توانـد بازگوکننده جنبه‌های مختلف هویتی در شهر باشد، زیـرا اقدام مورفولوژیک یکی از راهکارهای تداوم هویـت در شهر است.

بسیاری از آثار ایرانی بـه‌واسـطه نـوع مـواد و مصـالح مورد استفاده از همان بدو آفرینش نیازمنـد نگهـداری و تعمیر پیوسته هستند (فلامکـی، 1374: 24) ایـن فراینـد پیوسته براساس سیر حرکت اجتمـاعی دچـار شـدت و ضعف می‌شود. بر این اساس توجه به پایـداری فنـون و سنت‌های ساخت چنانکه فن ساخت را به منزله یکی از ابعاد وجودی اثر تاریخی به‌صورت ماهیتی ثابت در نظر بگیرد، با واقعیت تاریخی تجارب معماری بـومی ایـران در انطباق قرار نمی‌گیرد. عدم وجود ثبات فنی در رونـد نگهداری نمونه‌های بیشمار از آثار تاریخی، مؤیـد عـدم وجود چنین ثبات ماهیتی و در مقابـل نـوعی پیوسـتگی فرهنگی و معرفتی می‌باشد کـه از شاخصـه‌هـای هنـر و معمـاری ایـران محسـوب مـی شـود، (پرتـوی، 1380). بنابراین محک زدن اصالت به‌ویـژه در مـورد توانبخشـی بافت‌های تاریخی که از حیاتی پویا برخوردارند، نیازمند سنجه‌های جدیدی است که مداخلـه در کالبـد تـاریخی اثر را، نه تثبیـت آن در وضـع موجـود و نـه رونوشـت گیری از گذشته، بلکه نوعی شـناخت و آمـوختن از آن بداند (پدرام و همکـاران، 1390 بـه نقـل از ابراهیمـی و همکاران، 1369: 148).

در برخی پهنه‌های اجتماعی عمر معمـاری خانـه‌هـای قدیمی چندان طولانی نبوده و وابستگی مستقیم به طلوع و افول خانواده‌ها داشته است. ولی نکته اساسی در ایـن ساخت‌وسازها مشابه‌سازی، بهسازی و تکمیل ساخت و ساز قبلی بوده است. بنابراین گاهی اوقـات در معمـاری مسـکن در شـهرهای گذشـته بجـای حفـظ یـک بنـا، دوباره‌سازی انجام می‌شد که خود بـا حفـظ ارزش‌هـای معماری گذشته صورت می‌پذیرفته است، مگـر بناهـای اصیل مذهبی که می‌بایسـتی اصـل آن حفـظ مـی‌شـد و الحاقاتی در آن صورت می‌گرفت. با توجه به اینکه "هر که آمد عمارتی نو ساخت "گاهی در معماری خانه‌هـای گذشته جاری بوده و به‌لحاظ این طرز تفکر، خانه دارای آنچنان استحکامی نبـوده کـه سـالیان دراز دوام آورده و نسل‌های گوناگون را در خود جای دهد. لیکن "رفت و منـزل بـه دیگـری پرداخـت" ادامـه چنـدانی نداشـته و دیگـری اگـر بـه مکنـت مـی‌رسـید خـود عمـارتی نـو می‌ساخت و ماجرای ساختن و پـرداختن از نـو شـروع می‌شد (صارمی، 1368: 90). اما به دیگری سـپردن و از نو ساختن به معنای فراموشی اصالت نبود. الگو و پیمون ساخت به مانند قبلی‌ها حفظ می‌شد. فقط ممکن بود بـر اثر تغییر تعداد ساکنان یا یافتن مصالح مناسب‌تر، کالبد و ظاهری مستحکم‌تر یابد.

بررسی معیارهای گوناگون به کار رفته بـرای ارزیـابی اصالت‌مندی آثار تـاریخی، نشـانگر تمرکـز هـر یـک از آن‌ها بر خصوصیات محـدودی از اثـر اسـت. پـاره‌ای از آن‌ها نظیر معیار دست نخوردگی مادی و استمرار کـنش

محیطی برای کنترل ویژگی‌های قابل اندازه‌گیری تعریف شده‌اند. پاره‌ای دیگر همچون بقای فنون ساخت و یا بقای صورت بر ویژگی‌هایی تأکید دارند که علاوه بر ساختار مادی اثر به دریافت ذهنی و تفسیر انسان نیز وابسته است. معیارهایی همچون تداوم آیینی و وجود نمادین اثر، بیش از کالبد بر جایگاه اثر در خاطره جمعی تأکید دارد (پدرام و همکاران، 1390: 7).

عوامل طبیعی استمرار

به اعتبار داد و ستدهای انسان با محیط جامع زندگی خود، احساس تعلق و وابستگی به این محیط تا آن اندازه قوی می‌شود که جدایی از آن به شکل کمبودی جبران ناپذیر نمود پیدا می‌کند. پدیده‌هایی که در اثر مداخله عناصر جدید در محیط آشنای شخص به‌وجود می‌آیند، وی را برمی‌انگیزند که در برابر آنچه به‌وجود آمده واکنشی نشان دهد و آن انگیزه، وابستگی به محیط را در تعادلی تازه مطرح کند و شکلی متفاوت به خود گیرد. در حقیقت امر، محیط زندگی انسان حاوی انگیزه‌هایی برای تحرک است که در طول زمان زاده یا رها می‌شوند (فلامکی، 1367: 16). در عین حفظ و تسری اشتراکات فرهنگی در فضای زندگی، تفاوت انسان‌ها در رفتار و معیشت همواره مورد نظر معماران و طراحان بوده است. یکی از آسیب‌های دوران اخیر و فرهنگ وارداتی، یکسان‌سازی محیط زندگی انسان‌ها است.

همانگونه که از نگاه والتر بور، شباهت زیاد شهرهای مدرن به یکدیگر، تهدیدی جدی برای فضاهای شهری است، از نظر وی مهم‌ترین وجه اشتراک شهرهای کهن منحصر به‌فرد بودن آن‌ها است (مولوی، 1376: 30). در این زمینه مامفورد می‌گوید شهرها در گذشته واجد وحدت بصری بودند و با فرم‌هایی که به تدریج پیچیدگی بیشتری می‌یافتند، شیرازه زندگی اجتماعی جوامع را به‌وجود می‌آوردند. ولی در شهرسازی معاصر، نظمِ خشک و مقیدی جای تنوع اجتماعی گذشته را گرفته است. شهرها زمانی از خود شخصیت و موجودیتی داشته‌اند. لیکن امروزه این شخصیت و موجودیت از میان رفته است و همه آن‌ها به توده‌های مشابه یکنواختی بدل گشته‌اند (دانشپور، 1383: 63).

بهره‌برداری از طبیعت (معماری بومی- محلی)

نگاه انسان به طبیعت بر خلاف سایر حیوانات یک نگاه ثانوی است. شناخت انسان از محیط پیرامون و جهان براساس تصویری است که گویی بر صفحه‌ای که مابین او و طبیعت وجود دارد شکل گرفته است. براساس همین ثانویه‌سازی است که انسان می‌تواند مقایسه کند و به هر چیزی معنا ببخشد. این برداشت ثانوی که مانع ارتباط مستقیم بین انسان و طبیعت است، موجب بروز دو عکس‌العمل مختلف در بین انسان‌ها گردیده و آن‌ها را به دو دسته تقسیم نموده است. دسته اول گویی از این جدایی راضی هستند و زندگی خود را هم‌راستا با آن قرار داده‌اند. دسته دوم از این جدایی ناخرسندند. در یک نامگذاری کلی برای دو دسته انسان ذکر شده می‌توان دسته اول را "انسان غربی" و دسته دوم را "انسان شرقی" نامید. از همین‌رو به‌نظر می‌رسد تقریباً تمام اندیشه‌های نو غربی هستند و انسان‌های غربی به‌دنبال تفکیک بیشتر خود از طبیعت و ایجاد تحول در تفکر و اندیشه هستند و این در حالی است که انسان شرقی از خلاقیت و تحول، گریزان شده است (حقیر، 1393). این نوع نگاه بسته به کنش‌های انسان غربی و شرقی با "بر طبیعت" یا "با طبیعت" است که میزان پایبندی در ساخت محیط زندگی را نشان می‌دهد.

هر واحد جغرافیایی پدیده‌ای است زنده و همگن که به اتکای عوامل سازنده و فراهم آورنده و نیروهای جاری در داخل خود، امکانات و استعدادهای بالقوه و بالفعلی دارد که عوامل اصلی به وجود آورده این

استعدادها، چیزی نیست جز حاصل فعل و انفعالات کمی یا کیفی عوامل طبیعی یا سازنده آن محیط، مانند کمیت یا کیفیت آب، شرایط اقلیمی و جغرافیایی، خاک موجودات زنده و تمامی تکنولوژی کاربردی انسان، که همین کمیت‌ها و کیفیت‌ها تماماً محدودیتی را به آن واحد جغرافیایی تحمیل می‌کند. از دیدگاه اکولوژی و زیست محیطی این محدودیت‌ها قابل شناخت و بررسی است و تمامی اقداماتی که انسان بر روی واحد جغرافیایی انجام می‌دهد، اگر خارج از مرز محدودیت‌هایی باشد که طبیعتاً بر آن تحمیل می‌شود، آن محیط رو به زوال خواهد رفت، بنابراین اقداماتی که انسان انجام می‌دهد حتماً باید از این محدودیت‌ها تبعیت کند (واحدی، 1368: 156).

معماری بومی در هر زبان و فرهنگی به استناد سنت به ریشه‌های معماری در گذشته‌های دور معنا می‌شود. اگر سنت معماری یک سرزمین را به منزله زبان مشترک مردمان آن سرزمین در ساخت محیط مصنوع فرض کنیم، آنگاه معماری بومی را می‌توان لهجه‌های مختلف آن زبان به‌شمار آورد (میری‌نژاد، 1392: 100 به نقل از آلپاگومولو، 1384: 28) نوعی معماری که به‌وسیله خود مردم براساس فرهنگ محلی و برای تأمین نیازهایشان بوجود آمده است. به‌عبارت بهتر، معماری بومی الگوهای اصلی موجود در معماری تاریخی را با توجه به اقلیم منطقه، مصالح بوم‌آورد و در شکلی محلی به‌کار می‌گیرد (میری‌نژاد، 1392: 100). توجه به مفهوم "تداوم فرهنگ آفرینش بومی" به‌عنوان تمهیدی برای تکمیل فرایند ارزیابی اصالتمندی به‌ویژه در مورد آن دسته از آثار تاریخی که هنوز از حیات اجتماعی پویا در بستر بافت های شهری برخوردارند، معرفی شد. توجه به نمودهای عینی این مفهوم در رابطه متقابل میان بخش های قدیمی و جدید (بازسازی‌ها، الحاقات و تعمیرات) انطباق بیشتر روند حفاظت بر ارزش‌های بومی و غنای تلقی از اصالت در سطح بین‌المللی را در پی خواهد داشت (پدرام، اولیاء و وحیدزاده، 1390: 1).

شاخص‌ها و عوامل تأثیرگذار بر گسست و انقطاع

پس از بررسی مفهوم استمرار و سیر مداوم معماری و عوامل آن اکنون به بازه زمانی مورد نظر مقاله و تغییرات رخ داده در این روند پرداخته می‌شود. معماری ایران در طول تاریخ هیچ گاه به وضع نامناسب خود در پنجاه سال اخیر در زمینه استفاده غیراصولی و ناموفق از فنون، تجارب و غیره نبوده است (ورجاوند، 1355، 4). آصفی و همکاران معماری معاصر ایران را به‌جای پاسخگویی به شرایط متغیر معماری معاصر، غرق شده در گستردگی امکانات و نگرش‌های جهانی می‌دانند که حاصل چیزی جز تقلید، ساده‌اندیشی و پراکندگی محض در معماری بومی ایران نیست. جهت دستیابی به روند مستمر و مانا باید دانش، توانایی و سطح فرهنگی تک تک عناصر جامعه معاصر نیز افزایش یابد (آصفی و ایمانی، 1392: 63).

برخی عقیده دارند که نبود دانش بومی، نداشتن اخلاق حرفه‌ای، بی‌توجهی به اصالت‌ها و بازشناسی ناقص فرهنگ و بسیاری مسائل دیگر از این دست، در کنار یکدیگر این بحران و نابسامانی را موجب گردیده‌اند. گروهی از صاحب‌نظران، وضعیت موجود معماری کشور را نشان‌دهنده تشتت فرهنگی جامعه می‌دانند. ایشان عدم تشابه ساختمان‌ها با یکدیگر را، نشان‌دهنده گسیختگی و عدم انسجام فرهنگی می‌دانند (دیبا، 1378: 4). اصغر محمدمرادی یکی از علل اصلی گسست را خودداری از تطبیق و پیوند بین دو پدیده (جدید و قدیم) از نقطه نظر کالبدی، تولید، اقتصاد شهر و ارتباطات بین این دو قطب می‌داند (محمدمرادی، 1395).

مسائل اجتماعی و فرهنگی

به‌دلیل مداخلات بدون برنامه در کالبد بافت‌های تاریخی ترکیب خانواده قدیمی بهم خورده و فضاهای زندگی خانه‌های قدیمی امروز متناسب با نیازهای خانواده‌های امروزی نیست. انعطاف‌پذیری یک واحد مسکونی در گذشته تحت تأثیر زندگی ساکنانش بود و به فراخور شرایط و تعداد آنان گسترش می‌یافت. فضاهای زیست دارای عملکرد و حرایم مختلف بودند. آن زمان که فضای تولید جمعی در محلات و خانه-محله‌ها از بین رفت متعاقب آن تولید و اقتصاد بومی نیز کمرنگ شد. در کنار این علت رها شدن بافت قدیمی، تصمیم‌گیرندگان دستگاه‌های اجرایی، دانشگاهیان و طراحان خود نیز با مشکل تأخیر در پرداختن به مسئله مواجه هستند. جنبه دومی که موجب رها شدن بافت قدیم شده، انهدام ساختار اقتصادی گذشته آن است. تولیدات دستی در بافت قدیم یا بکلی از بین رفته یا بشدت رو به ضعف نهاده است. روستاها و شهرهای کوچک به‌واسطه تولیدات خود پویا و سرزنده بودند. حال آنکه فرهنگ وارداتی (جهانی شدن) در پی از بین بردن تفاوت‌هایی است که معنادار شدن روابط و زندگی جمعی را موجب می‌شد.

برخی فضاهای بافت تاریخی تحرک گذشته خود را از دست داده‌اند. تکاپو، سرزندگی و سیر به سمت تعالی و دلخوشی‌های گذشته کمرنگ شده است. برخی مراسم و آیینی که زمان و عمق بیشتری داشت امروزه سطحی و کوتاه مدت شده‌اند. روابط و مسائل به گونه دیگری پاسخ داده می‌شد. نمادهای شهری و مذهبی معانی عمیق‌تری در ذهن مخاطبان خود داشتند. نه تنها فضاهای شهری و معماری گذشته بلکه متون قدیمی نیز حال و هوای دیگری دارد و نخبگان عصر گذشته حداکثر می‌توانند این متون را درست تصحیح کنند و توضیح دهند. هنرمندان، مفسران و نویسندگان خلاق و آثارشان که از گذشته به یادگار مانده از چنین خصوصیاتی برخوردار بوده‌اند (حائری، 1368: 9). اما امروزه در بافت‌های جدید سرعت دگرگونی و تحولات فرهنگی، فاصله میان عینیات با ذهنیات، رؤیاها و انتظارات جامعه را بیشتر کرده و بین خواست و رؤیای جامعه از محیط مطلوب، فاصله زیادی ایجاد شده و محیط کالبدی دیگر پاسخگوی انتظارات ذهنی گوناگون جامعه نخواهد بود.

بحران عدم تعادل

حفظ و تمدید حیات بافت تاریخی در شهر ایرانی میسر نخواهد بود مگر آنکه بتوانیم «وضعیت عدم تعادل» حاکم بر این شهرها را به سمت وضعیتی متعادل هدایت کنیم. در نظر حائری مراد از وضعیت «وضعیت عدم تعادل» عدم توزیع متعادل عملکردها در سطح شهر، عدم هماهنگی بین رشد واحدهای مسکونی و رشد تأسیسات و تجهیزات و خدمات شهری، برهم خوردن شرایط معقول زیست‌محیطی با توجه به تمرکز جمعیت، صنایع و وسائط نقلیه و اثرات آن‌ها بر محیط پیرامون، برهم خوردن نظام سلسله مراتب فضاهای شهری و به‌دنبال آن شبکه معاصر است. محمدرضا حائری در مقاله‌ای با عنوان طرحی از کالبد شهر ایرانی، بررسی گونه‌شناسانه بافت‌های شهری در قرن چهاردهم شمسی دلایل گسست بافت‌های تاریخی را جزیی‌تر و به شرح زیر بیان کرده‌اند:

بافت تاریخی در مقایسه با بافت‌های شهری که از اوایل قرن حاضر به بعد شکل گرفت سطح اندکی را اشغال کرده و براساس ارتباطات غیرموتوری و پیاده بود. بافت تاریخی از رشد تدریجی برخوردار بوده و به‌طور نسبی احداث تأسیسات و خدمات شهری با نیازهای ساکنین آن هماهنگ بوده و بر همین اساس و

باز به‌طور نسبی در این بافت بین کاربری‌های مسکونی و غیرمسکونی (معابر، فضاهای عمومی، تأسیسات و تجهیزات شهری و غیره) توازن برقرار بوده، نیازهای فضایی و ساختمانی جدید از بیرون جامعه شهری بر سازمان فضایی شهر تحمیل نمی‌شده و تفکر خانه و تعمیر به جای تفکر مسکن و تعویض قرار داشته است (جدول شماره 1). اما از دهه 1340 به بعد به‌علت استفاده سکونتی صرف از محل اقامت و استفاده از امکانات شهر اصلی بافت ناپیوسته در زمره نامتعادل‌ترین بافت‌های شهری از نقطه نظر عرضه تأسیسات، تجهیزات و خدمات شهری است.

نوع رابطه	توضیحات
پیوندهای طبیعی و تاریخی	بناهای تاریخی را نمی‌توان جدای از بستر طبیعی و منظر فرهنگی آن مورد بررسی قرار داد.
استمرار کلیات و اصالت‌ها	از دست دادن قسمتی از دارایی‌ها (فضاها، نماها یا تزیینات) بررسی ایجاد دوام در اصالت اثر
تعامل بخش‌های جدید و قدیم	دو بخش قدیمی و جدید ضمن داشتن تفاوت در ساختار مادی، فن ساخت و طرح، هیچگونه تزاحمی برای یکدیگر ندارند بلکه به ارزش یکدیگر می‌افزایند. این امر تنها در حالتی اتفاق می‌افتد که طراح مرمت و مداخله تاریخی بتواند با درک فرهنگ خلق اثر، بخش‌های قدیمی و جدید را در یک اتحاد وجودی رشد یابنده ملاحظه کند. در غیر این صورت هر نوع چیدمانی از دو عنصر فاقد تطابق زمانی یا جنسیتی ناگزیر به تزاحم خواهد انجامید.
توجه به جنبه‌های فرهنگی	منظور از تداوم کالبدی و فرهنگ ساخت، ایجاد فضاهای جدید و جایگزین کردن **آن‌ها** با بخش‌های تاریخی نیست. به‌وجود آوردن مصالح صحیح و بررسی شده، بخشیدن جان تازه به قسمت‌های قدیمی و بالا بردن ارزش قسمت جدید به‌واسطه همسایگی با اصالت تاریخی.
ارتباط کالبدی	ترمیم بخش‌های از دست رفته با احترام به ارزش‌های ساختاری (پیمون‌ها و تناسبات)

ج 1. موضوعات مهم در رابطه ایجاد شده میان بخش‌های قدیمی و تغییرات جدید به‌عنوان نمود کالبدی استمرار (پدرام و همکاران، 1390: 11).

نتیجه

عوامل مرور و دسته‌بندی شده در متن مقاله، مربوط به هر دو نگرش استمرار و گسست در قالب دو جدول ارائه می‌شوند. به این نحو که اهمیت‌سنجی (وزن‌دهی) ابتدایی آن‌ها براساس تعداد ارجاعات و وزن‌دهی ثانویه براساس پرسشنامه از خبرگان است. روش تعداد ارجاعات در مطالب مرور شده، به‌دلیل گستردگی منابع و اینکه نمی‌توان ادعای مرور همه منابع موجود را داشت از اعتبار کمتری برخوردار است و از طرف دیگر روش دوم (پرسشنامه خبرگان) به‌علت احاطه آنان بر موضوع و به نوعی تخصصی شدن اهمیت ابعاد و مؤلفه‌ها قابل اعتناتر است. همسو شدن دو روش وزن‌دهی در هر یک از مؤلفه‌ها، ملاک قابل اعتمادی برای پذیرش میزان تأثیر آن عامل در زمینه استمرار و یا گسست تاریخی است.

اختلاف به وجود آمده در دو روش وزن‌دهی به این دلیل است که مؤلفه‌هایی از ابعاد گوناگون به‌واسطه پرسش از خبرگان (معماران) به جنبه‌های معماری این ابعاد نزدیک شده است. براساس جدول شماره 2 "مؤلفه‌های اجتماعی" دارای بیشترین تعداد و تأثیر در روند مستمر تاریخی معماری ایران بوده‌اند. که در میان این مؤلفه‌ها "ساختارهای محیط اجتماعی، معیارها و فرهنگ بومی" بیشترین سهم را دارند. در ادامه ابعاد "اقتصادی و تاریخی" دارای اهمیت بیشتری هستند اما نکته قابل توجه نمره بالای همه مؤلفه‌های طبیعی است (هر 4 مؤلفه بیش از 8) و متخصصان معماری توجه به عوامل طبیعی بومی، رابطه با طبیعت و الهام گرفتن از آن‌را در استمرار تاریخی معماری ایران بسیار مهم تلقی کرده‌اند.

استمرار تاریخی (انباشت تجربه تاریخی)			
ابعاد	میزان اهمیت	مؤلفه‌های استمرار	میزان اهمیت
عوامل اجتماعی	9	معماری تابع ساختارهای محیطی (پورمحمدی، 1390: 8) (ابراهیمی و اسلامی، 1389: 7) (معماریان، 1387) (محمدمرادی، 1395) (نامه سرخپوستان، 1854) (پارک، 1358: 68) (آصفی و ایمانی، 1393: 68)	8/6
		معماری براساس فرهنگ بومی (پارک،1358: 68) (میری‌نژاد، 1392: 100) (ثبات‌ثانی، 1392: 51) (دانش‌دوست، 1386: 76) (پرتوی، 1380) (پدرام و همکاران، 1390: 13) (آلپاگومولو، 1384: 28)	8/4
		تأثیر معیارها و بینش فرهنگی در فضای زندگی (الکساندر، 1386) (قیاسوند، 1379: 86)	8/4
		مشارکت ساکنین در امور ساختن (حناچی، 1391) (حجت، 1368: 64) (بیات، 1379: 12)	7/8
		الگوها ثابت (محمدمرادی، 1395) (کرباسی، 1389) (قیاسوند، 1379: 86)	7/6
		نگاه جمع‌گرا و تأکید بر زندگی جمعی در فضاهای زیستی(پدرام و همکاران، 1390: 9) (حبیبی، 1385: 54) (ابراهیمی و اسلامی، 1389) (صنیع اجلال، 1384: 69)	7
		ارزش‌های نانوشته- انتقال سینه به سینه تجارب	7
		ارتباط طراح (معمار) و مالک (محمدمرادی، 1368: 150)	6/8
		ممارست و تجسس در گذشته (نقی‌زاده، 1377) (قیاسوند، 1379: 86)	6/3
		وفاق اجتماعی در امور (گلکار، 1380)	6/2
		فضاهایی مختص حضور انسان در دل جامعه (نگارستان، 1389: 61) (گلکار، 1380)	6
		حقیقیت‌جویی انسان در مفاهیم (نقی‌زاده، 1377) (خدیر، 1390: 47) (پرتوی، 1380)	4/5
عوامل اقتصادی	8/2	الگوی کسب و کار در مقیاس متناسب (رفعت‌جاه، 1396)	7/8
		توجه به اقتصاد کشاورزی (حائری، 1368) (شیعه، 1368: 82)	7
عوامل تاریخی	8	رابطه فعال میان عمل انسان و عکس‌العمل محیط (پورمحمدی و همکاران، 1390: 8 به نقل از کانیگا) (حناچی، 1391)	8/4
		رابطه منطقی با زمان قبل و بعد (مروج تربتی و پورنادری، 1392: 61) (صارمی، 1368: 89)	7/8
		الگوهای معماری فرامکانی و فرازمانی (احمدی، 1381) (شولتز، 1381) (نقی‌زاده، 1377) (معماریان، 1387) (حجت و آقالطیفی، 1387) (نگارستان و همکاران، 1389)	7
عوامل طبیعی	7/3	براساس فرهنگ بومی(پارک،1358: 68) (میری‌نژاد، 1392: 100) (ثبات‌ثانی، 1392: 51) (دانش‌دوست، 1386: 76) (پرتوی، 1380) (پدرام و همکاران، 1390: 13) (آلپاگومولو، 1384: 28)	8/8
		تابع ساختارهای محیطی(پورمحمدی، 1390: 8) (ابراهیمی و اسلامی، 1389: 7) (معماریان، 1387) (محمدمرادی، 1395) (نامه سرخپوستان، 1854) (پارک، 1358: 68) (آصفی و ایمانی، 1393: 68)	8/5
		رابطه فعال میان عمل انسان و عکس‌العمل محیط (پورمحمدی و همکاران، 1390: 8 به نقل از کانیگا) (حناچی، 1391)	8/4
		طبیعت معلم اصلی انسان- با طبیعت بودن انسان‌ها (محمدمرادی، 1395) (نامه سرخپوستان، 1854) (پارک، 1358: 68)	8
عوامل کالبدی	6	شیوه تولید و تکثیر ابنیه(پدرام و همکاران، 1390: 11) (محمدمرادی، 1368: 150) (صارمی، 1368: 90)	8/6
		توجه توامان به کیفیت و کالبد (نگارستان و همکاران، 1389)	8/2
		فضاهای منعطف- گسترش فضاها متاثر از شرایط زندگی ساکنین (Freser & others, 2017)	7/5
		فضاهای غیرقطبی (نگارستان و همکاران، 1389)	6/5
عوامل مذهبی	5/8	تأکید بر آیین سنتی (پارک، 1358، 68) (فیلدن و یوکیلهتو، 1388: 103) (آصفی و ایمانی، 1393: 68)	8/2
		پیوند با روح و جان انسان- ذات انسان (موراتوری) (پورمحمدی و همکاران، 1390: 8) (حجت، 1368: 59) (جعفری، 1368: 49)	8
		تأکید بر ارتباطات فطری (محمدمرادی، 1396)	7/8
		تأکید بر آیین مذهبی(پارک، 1358، 68) (قیاسوند، 1379: 86) (صارمی، 1368: 90)	7/5

ج 2. جمع‌بندی و وزن‌دهی ابعاد و مؤلفه‌های نگرش استمرار تاریخی در بافت‌های تاریخی به تفکیک.

در باب مؤلفه‌های نگرش گسست، مانند جدول شماره 2 ابعاد اجتماعی و در میان آن‌ها "تأثیرپذیری و تقلید بدون منطق" و "مهاجرت بدون برنامه- فقدان ساکنان اصلی" به‌عنوان مؤثرترین مؤلفه‌ها در گسست رخ داده در معماری ایران است. حدود نیمی از مؤلفه‌های اجتماعی از نظر خبرگان با نمره بالاتر از 8 اهمیت‌بخشی شده که در روش تعداد ارجاعات نیز دارای بیشترین مأخذ هستند. در رده‌های بعدی ابعاد سیاسی و اقتصادی قرار گرفته که مهمترین آن‌ها مؤلفه "طرح‌های یکسان شهری و روستایی" است. این طرح‌ها با اتخاذ تصمیمات کلی و جزیی از مرکز و با حداقل مراجعه و شناخت از ویژگی‌های پهنه‌های زیستی مختلف، پتانسیل‌ها و تفاوت‌های آن‌ها ارائه شده که موجبات کمرنگ شدن و تضعیف ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر یک از شهرها و روستاها را فراهم کرده است. در نهایت مؤلفه‌های مذهبی در استمرار نقش پررنگ‌تری نسبت به گسست داشته‌اند. به این معنا که به عقیده خبرگان، عوامل مذهبی (با اختلافی معنادار) کمترین

تـأثیر را در تغییـرات اخیـر داشـته‌انـد. بـه‌واسـطه ایجـاد بسـترهایی فرهنگـی و اجتمـاعی بـرای پـذیرش صـحیح و الگوبرداری همراه با نوآوری و توجه به ویژگـی‌هـای زمینـه می‌توان تقلید کورکورانه را بـه الگـوبرداری خلاقانـه مبـدل ساخت. به‌واسـطه ارائـه طـرح‌هـای سـنجیده کوتـاه‌مـدت، میـان‌مـدت و بلندمـدت امکـان ایجـاد جـذابیت بـرای تداوم‌بخشـی بـه حضـور سـاکنان و یـا بازگشـت صـاحبان اصلی هر منطقه وجود دارد و به‌طـور حـتم رونـد مسـتمر تاریخی قطع شده از آنجا مجدداً متصل می‌شـود کـه وارثـان اصلی به کالبد بازگشته و دلسوزانه برای حفـظ و ارتقـای آن تلاش کنند. پس از ایجاد تعـادل جمعیـت نوبـت بـه ایجـاد تعادل در دیگر ابعاد و کیفیت‌ها خواهد رسـید کـه در گـرو یافتن و آزمودن سنجه‌های دقیق (زیرمجموعـه مؤلفـه‌هـا در جداول 1 تا 3) می‌باشد.

نگرش گسست از گذشته یا انقطاع تاریخی			
ابعاد	میزان اهمیت	مؤلفه‌های نگرش گسست	میزان اهمیت
عوامل اجتماعی	8/7	تأثیرپذیری و تقلید بدون منطق (حجت و آقالطیفی، 1387) (ابراهیمی و اسلامی، 1389: 7) (آصفی و ایمانی، 1392: 63)	9
		مهـاجرت بـدون برنامـه- فقـدان سـاکنان اصـلی (Topcu, 1996) (توسـلی، 1368: 6) (بیـات، 1379: 12) (دانـش‌دوسـت، 1386: 76) (حناچی، 1391) (معظمی، 1392: 106)	8/5
		ورود لجام گسیخته تکنولـوژی و اسـتفاده ناصـحیح از آن (ثبـات‌ثـانی، 1392: 51) (آصـفی و ایمـانی، 1393: 68) (معظمـی، 1392: 109) (ابراهیمی و اسلامی، 1389: 4) (حائری، 1368) (رئیس شقاقی، 1396)	8/4
		سرعت و شدت تحولات (ثبات‌ثانی، 1392: 51) (آصفی و ایمانی، 1393: 68) (معظمی، 1392: 109)	8/4
		پاسخ به نیازهای مقطعی- تمایلات گوناگون و متضاد (مروج تربتی و پورنادری، 1392: 61). (توسلی، 1368: 8)	8/4
		فردگرایی- بشر خود بنیاد (معماریان، 1387: 102) (رفعت جاه، 1396)	8/3
		برهم خوردن ترکیب خانواده (توسلی، 1368: 8)	8/3
		دوگانگی و شک هنری –فرهنگی (راست‌بین، 1391: 35) (حجت، 1368:59) (معظمی، 1392: 14)	7/9
		هیجان و بی قراری- رویاپردازی جامعه ایرانی(حجت، 1391: 2) (فکوهی، 1383: 491) (مختاری طالقانی، 1396)	7/9
		سلیقه های شخصی (پورمحمدی و همکاران، 1390: 8) (بیات، 1379: 12)	7/8
		تغییر گروه‌های هویتی و مراجع فکری(معظمی، 1392: 107)	7/6
		جایگزین شدن معماران غربی با معماران بومی (حجت و آقالطیفی، 1387)	7/2
		نداشتن زبان (الگو) مشترک (الکساندر، 1386) (آصفی و ایمانی، 1393: 69) (شولتز، 1381)	7
		عدم وجود خودباوری (غدیری نیا، 1396) (رفعت‌جاه، 1396)	7
		توجه بیشتر به کالبد انسان (حجت، 1368: 59) (موراتوری)	6/8
		گرایش‌های متعدد جهانی (معظمی، 1392: 104)	6/8
		اکتفا به سنت شفاهی (خدیر، 1390: 47)	6/8
عوامل سیاسی	7.5	طرح‌های یکسان شهری و روستایی (معظمی، 1392: 106)	8/5
		جایگزین شدن مفهوم مرمت و بهسازی با بازسازی (فاضلی، 1390: 53)	7/7
		تأثیرپذیری و تقلید بدون منطق (حجت و آقالطیفی، 1387) (ابراهیمی و اسلامی، 1389: 7) (آصفی و ایمانی، 1392: 63)	7/5
		طرح‌ها و تصمیمات نسنجیده مانند اصلاح اراضی	7/5
		تصمیم‌گیری از مرکز	7/3
		جایگزین شدن معماران غربی با معماران بومی	6/4
		گرایش های متعدد جهانی (معظمی، 1392: 104)	6/2
		ناتوانی در یافتن راه‌حل‌های معقول	6/2
عوامل اقتصادی	7.2	نگاه صرف اقتصادی (توسلی، 1368: 8)	8/2
		تکیه بیش از حد به اقتصاد صنعتی (شیعه، 1368) (توسلی، 1368: 8)	7/8
عوامل کالبدی	7	خودداری از پیوند جدید و قدیم (محمدمرادی، 1368: 148)	7/5
		عدم تعادل در کاربری‌ها (فلامکی، 1367: 16) (حائری، 1368: 33)	4/8
		یکنواختی و عدم تنوع (آصفی و ایمانی، 1393: 68) (ابراهیمی و اسلامی، 1389: 7) (مولوی، 1376: 30)	4/2
عوامل تاریخی	6.8	سهل‌انگاری در برداشت و درک ارزش های تاریخی (ابراهیمی و اسـلامی، 1389: 4) (حنـاچی، 1391) (صـنیع‌اجـلال، 1384: 69) (دیبـا، 1378: 4) (علیپور، 1396)	8/4
		نفی ارزش‌ها و آثار گذشـته (قیاسـوند، 1379:86) (آلپـاگوکو، 1384: 28) (حجـت، 1368: 59) (آصـفی و ایمـانی، 1393) (میـری نـژاد، 1392: 97) (ابراهیمی و اسلامی، 1389: 7) (معماریان، 1387) (فاضلی، 1390: 54) (مروج‌تربتی و پورنادری، 1392: 61)	8/2
		قطع ارتباط با اصالت گذشته (معماریان، 1387)	7/8
عوامل طبیعی	6.3	ارتباط کمرنگ با طبیعت- بر طبیعت بودن انسان‌ها (محمدمرادی، 1395) (آصفی و ایمانی، 1393: 68) (حقیر، 1393)	8
		سطحی نگری در ارتباط با بوم و بستر (معماریان، 1387) (آصفی و ایمانی، 1393: 68) (ابراهیمی و اسلامی، 1389: 7)	6/6
عوامل مذهبی	4.5	کمرنگ شدن خداوند در ذهن انسان (رفعت جاه، 1396)	5

ج 3. جمع‌بندی و وزن‌دهی ابعاد و مؤلفه‌های نگرش گسست از گذشته یا انقطاع تاریخی در بافت‌های تاریخی.

پی‌نوشت

1. استمرار یک واژه نیست، یک مشی است (محمدمرادی، 1395) به معنای بر یک روش رفتن، روان شدن، همیشگی کردن، همیشه بودن، اتصال، توالی و پیوستگی (دهخدا، 1377 به نقل از بیهقی، 1375: 316).

2. قطع کردن، بریدن، جدا کردن، منقطع گشتن، پاره شدن، شکسته شدن، رها شدن و رجوع به گسلیدن شود. (از حاشیه برهان قاطع، معین، 1387).

3. پس در اینجا مراد از تعادل آن نوعی دگرگونی است که عناصر تشکیل‌دهنده کالبد شهر را به سمت برطرف کردن وضعیت عدم تعادل سوق می‌دهد و در شرایط معاصر شهرنشینی در ایران می‌توان در درازمدت، در انتظار برقراری چنین وضعیتی بود (حائری، 1368: 38).

فهرست منابع

- ابراهیمی، سمیه؛ اسلامی، سیدغلامرضا. (1389)، معماری و شهرسازی ایران در دوران‌گذار، نشریه هویت شهر، سال 4، شماره 6، بهار و تابستان، 14- 3.

- احمدی، بابک. (1381)، ساختار و هرمنوتیک، نشر گام نو، چاپ دوم، بهار، تهران، ایران.

- ارغنده‌پور، کریم. (1391)، در جستجوی جامعه بلندمدت، گفتوگو با همایون کاتوزیان، محمدرضا، نشر نی، تهران، ایران.

- آصفی، مازیار و ایمانی، الناز. (1392)، ریشه‌یابی و شناخت عوامل دگرگون‌ساز روح معماری گذشته ایران در گذر زمان، اصالت گذشته، تازگی اکنون، مجله هویت شهر، شماره 19، سال هشتم، پاییز، صص76- 63.

- آلپاگومولو، آدریانو. (1384)، نوشیدن از چاه خویش، ترجمه سید علی‌محمد افسرس، نسر مؤسسه علمی و فرهنگی فضا، تهران، ایران.

- الکساندر، کریستوفر. (1381)، معماری و راز جاودانگی راه بی‌زمان ساختن، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

- پاکزاد، جهانشاه. (1375)، هویت و این همانی با فضا، شماره 21 و 22، صص107- 100.

- پاکزاد، جهانشاه. (1386)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (2) از کمیت تا کیفیت، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران، ایران.

- پدرام، بهنام؛ اولیاء، محمدرضا؛ وحیدزاده، رضا. (1390)، ارزیابی اصالت در فرایند حفاظت از آثار تاریخی ایران: ضرورت توجه به تداوم فرهنگ بومی آفرینش هنری، دوفصلنامه علمی – پژوهشی مرمت، آثار و بافت‌های تاریخی، فرهنگی، شماره 2، پاییز و زمستان، صص 16-1.

- پرتوی، پروین. (1380)، تداوم تاریخی در معماری و شهرسازی ایران – اصول و مفاهیم، محموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد 4، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص 186- 165.

- توسلی، محمود. (1368)، بافت قدیم، مقدمه‌ای بر مسئله، سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

- ثبات‌ثانی، ناصر. (1392)، مقدمه‌ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سال‌های 1320 تا 1357 ه.ش.، دوفصلنامه معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره 11، پاییز و زمستان، صص 60- 49.

- حائری، محمدرضا. (1368)، طرحی از کالبد شهر ایرانی، بررسی گونه‌شناسانه بافت‌های شهری در قرن 14 شمسی، سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

- حجت، سید مهدی. (1368)، ارزش‌های موجود در بافت‌های قدیمی، سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

- حجت، مهدی. (1380)، میراث فرهنگی، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی، سازمان میراث فرهنگی کشور.

- حجت، عیسی. (1385)، تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران، نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، شماره 26، صص 84- 75.

- حناچی، پیروز.(1391)، مرمت شهری در بافت‌های تاریخی ایران، نشر دانشگاه تهران، ایران.

- خدیر، مهرداد.(1390)، خاطره‌هایی که حافظه نمی‌شود؛ چرا از تاریخی نگاری و ثبت خاطرات به انباشت تجربه‌های تاریخی نمی‌رسیم؟، ماهنامه سیاسی- فرهنگی نسیم بیداری، شماره 20، شهریور و مهر.

- دانشپور، سید عبدالهادی. (1383)، درآمدی بر مفهوم و کارکرد هویت محیط انسان ساخت، مجله باغ نشر، سال اول، شماره 1، بهار، صص 71- 59.
- دانش‌دوست، یعقوب. (1368)، طرحی برای تداوم حیات و حفظ بافت قدیمی شهرها، سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- دهخدا، علی اکبر. (1376)، لغتنامه، زیر نظر دکتر محمد معین، سازمان لغت نامه دانشگاه تهران، ایران.
- دیبا، داراب. (1378)، الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران، مجله فرهنگ و معماری، سال اول، شماره 1، تابستان، صص 106- 97.
- راست‌بین، ساجد؛ جعفری، یاسر؛ دارم، یاسمن؛ معززی مهرطهران، امیرمحمد. (1391)، رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیاط شهری در عرصه‌های عمومی (نمونه موردی جلفای اصفهان)، باغ نظر، شماره 21، سال 9، تابستان، صص 46- 35.
- رجبی، پرویز. (1355)، معماری ایران در عصر پهلوی، دانشگاه ملی ایران، تهران.
- شولتز، کریستین نوربرگ. (1388)، روح مکان، ترجمه محمودرضا شیرازی، نشر رخ داد نو.
- شولتز، کریستین نوربرگ. (1381)، معماری، حضور، زمان و مکان، ترجمه علیرضا سید احمدیان، مؤسسه نشرمعمار، چاپ اول.
- شیعه، اسماعیل. (1368)، روند برنامه‌ریزی تأسیسات شهری در بافت سنتی شهرهای ایران، سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- صارمی، علی‌اکبر. (1368)، نوساختن معماری گذشته و بازساختن با الهام از گذشتگان، سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- صنیع‌اجلال، مریم. (1384)، درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی، مؤسسه مطالعات ملی، نشر تمدن ایرانی، تهران.
- عبدی اردکانی، حجت‌الله. (1394)، رساله دکترا با عنوان تحلیل انتقادی تاریخ حفاظت معماری در ایران- با تمرکز بر بناهای تاریخی گنبد سلطانیه، مسجد جامع اصفهان و ساوه، اساتید راهنما: محمدمرادی، اصغر و مهدیزاده سراج، فاطمه، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
- فاضلی، نعمت‌ا... .(1390)، از جامعه کلنگی تا تجربه چندهزار ساله، بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره پیوستگی تجربه‌های تاریخی در ایران، ماهنامه سیاسی- فرهنگی نسیم بیداری، شماره 20، شهریور و مهر، صص55- 53.
- فلامکی، محمدمنصور. (1368)، آینده بافت‌های تاریخی ایران: پدیده‌ها و بدیل‌ها، سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- فیلدن، برنارد؛ یوکیلتو، یوکا. (1388)، راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی، مترجم پیروز جناچی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، ایران.
- قیاسوند، حجت.(1379)، زبان تداوم در معماری، ماهنامه بین‌المللی راه و ساختمان، صص 89- 85.
- گلکار، کوروش. (1380)، مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، دوفصلنامه صفه شماره 32، صص 61 – 38.
- محمدمرادی، اصغر. (1395)، مصاحبه حضوری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، 1395/10/05.
- مروج تربتی، خاطره؛ پورنادری، حسین. (1392)، بررسی تداوم سنت‌های مؤثر در شکل‌گیری پل خواجو براساس مطالعه تطبیقی پل‌های تاریخی شهر اصفهان، باغ نظر، شماره 27، سال 10، زمستان، صص 70- 61.
- معماریان، غلامحسین. (1387)، سیری در مبانی نظری معماری، نشر سروش دانش، چاپ سوم، تهران، ایران.
- معماریان، غلامحسین. (1393)، مبنای طراحی معماری، انتشارات نغمه نواندیش، تهران، ایران.
- معین، محمد. (1387)، فرهنگ فارسی معین، نشر فرهنگ نما، تهران، ایران.
- میری‌نژاد، سهیل. (1392)، رمانتیسم در معماری معاصر ایران (با تأکید بر معماری دوره پهلوی دوم پس از سال 1332 شمسی)، نشریه معماری و شهرسازی هنرهای زیبا، دوره 18، شماره 1، بهار، صص 102- 91.

- نقی‌زاده، محمد. (1377)، صفات شهر اسلامی در متون اسلامی، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره 4و 5،صص 61- 47.
- نگارستان، فرزین؛ تیموری، محمود؛ آتشین‌بار، محمد. (1389)، تئوری منظر، رویکردی بر تداوم هویت در روند نوسازی شهری، باغ نظر، شماره 14، سال 7، تابستان،صص 68- 59.
- واحدی، محمد. (1368)، تهران و مسائل زیست محیطی، سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ورجاوند، پرویز. (1355)، استمرار هنر معماری و شهرسازی ایران پیش از اسلام در دوران اسلامی (استخراج از فایل صوتی سخنرانی) نشریه هنر و مردم، شماره 180.
Abeer M. Elshater (2013) Urban Reloading Philosophy Adequate to People-Place/ Procedia-social and behavior Science 101 – 526_541.
Mirzaei, V. & Bemanian, M.R. & Sarimi, H.R. & Lilian, M.R. (2015), Expression of Apatial Continuity of Architecture and Urban Aevalopment within Iranian Bazaars, Cienvia e Natura Maria, Vol. 37, Part 1. P. 305- 314
Philokyprou, M. (2014), Continuity and Discontinuity in the Vernacular Architecture, Athens Journal of Architecture, Vol. X, No. Y.
Quiriz, W. & Suleman, N.E, (2015), Transformation and Continuity of Architecture in Kaduna City, Nigeria, From 1900- 2000, Journal of Engineering and Architecture, Vol 3, No 1, pp 139- 149.
- https://doi.org/10.22034/38.166.109